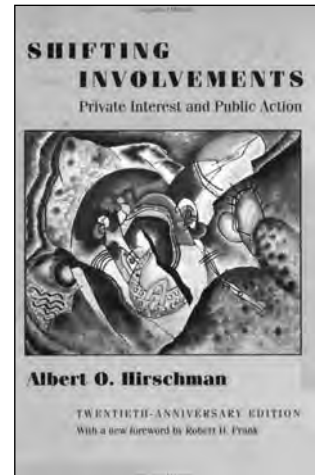


# منفعت فردی و عمل جمعی

رابرت فرانک

ترجمه علی اعظم محمدیگی



- Shifting Involvements: Private Interest and Public Action
- Albert O. Hirschman
- Princeton: Princeton University Press
- 2002 (Originally Published in 1982), 138+XVI PP.

اشاره:

نوشته حاضر، ترجمه مقاله‌ای است که رابرت فرانک (Robert Frank)

به مناسبت بیستمین سال انتشار کتاب دگرذیسی مشغولیتها نوشته هیبرشمن، نگاشته و به عنوان دیباچه‌ای بر چاپ سال ۲۰۰۲ کتاب مذکور به چاپ رسیده است.

در ارزیابی پدیده‌های فیزیکی مانند درجه حرارت، توجه به زمینه پدیده مورد بررسی اهمیت دارد. برای مثال در حالی که فرد ساکن در هاوانا در دمای ۲۰ درجه ماه نوامبر احساس سرما می‌کند برای فرد ساکن در هلسینکی، همین درجه حرارت در ماه فوریه دلچسب خواهد بود. هنگام ارزیابی مایملک شخصی نیز این زمینه اهمیت پیدا می‌کند. برای مثال، در حالی که یک خانه ۱۵۰ متر مربعی ممکن است از نظر شهرنشین طبقه فوق متوسط بسیار کوچک باشد اما برای فرد ساکن در یک منطقه فقیرنشین بسیار جادار قلمداد شود. تحلیلگری که اهمیت زمینه در چنین مقولاتی را درک نکند درک و تفسیر بیشتر رفتارهای رایج دچار مشکل خواهد شد. منتقدان اغلب این ایراد را بر نظریه اقتصادی نئوکلاسیک می‌گیرند که نقش زمینه اجتماعی را کاملاً نادیده می‌گیرد. بسیاری از اقتصاددانان در پاسخ به این انتقاد، تحقیقات جدید در زمینه نظریه بازی را مستند قرار می‌دهند. طبق یک فرض صریح در این نظریه افراد با در نظر گرفتن نحوه تفسیر دیگران از اعمال آنها و واکنش به این رفتار، تصمیمات خود را اتخاذ می‌کنند. این طرز تلقی پیشرفتی در مقایسه با ادبیات قبلی است که غفلت کامل افراد از نحوه رفتار دیگران را مفروض قرار می‌داد. با وجود این، این طرز تلقی درک بسیار محدودی از وابستگی متقابل رفتارهای اجتماعی است.

همین اواخر که یک نظریه پرداز اقتصادی برجسته در سمیناری درصد تشریح یک بازی ساده دو نفره برآمد امکان درک اجمالی محدودیت این نوع طرز تلقی دقیقاً فراهم شد. فرض کنید که در این بازی به نفر اول ده دلار داده شود و او باید یکی از دو گزینه پیشنهادی زیر برای تقسیم آن بین خود و نفر دوم را انتخاب کند:

(۱) سهم هر نفر ۵ دلار باشد،

(۲) نفر اول ۹ دلار بردارد و یک دلار دیگر را به نفر دوم بدهد.

پس از آنکه نفر اول یکی از این دو گزینه را انتخاب کرد، نفر دوم می‌تواند گزینه پیشنهادی او را بپذیرد یا رد کند. در حالت اول، بازی خاتمه می‌یابد و هر نفر مقدار پول پیشنهاد شده را خواهند گرفت. در حالت دوم، هیچ یک از دو نفر پولی نخواهد گرفت. به گفته این نظریه پرداز، طبق نظریه اقتصادی نئوکلاسیک نفر اول گزینه تقسیم ۱۰ دلار به ۹ و ۱ دلار را پیشنهاد خواهد کرد. زیرا برای او ۹ دلار بر ۵ دلار ترجیح دارد و منطق حاکم بر نفع شخصی عقلایی، قدرت این پیش‌بینی را به او می‌دهد که نفر دوم این پیشنهاد را خواهد پذیرفت زیرا گرفتن یک دلار بر نداشتن آن ارجحیت دارد. یکی از دانشجویان حاضر در این سمینار با احساس اینکه جذابیت دریافت یک دلار برای نفر دوم ممکن است بستگی به زمینه حاکم داشته باشد این پرسش را طرح کرد که «آیا بیشتر افراد عملاً چنین پیشنهاد یک طرفه‌ای را رد خواهند کرد؟»

سخنران در پاسخ دانشجو با گفتن اینکه چنین عملی معرف لجاجت نفر دوم خواهد بود نه چیز دیگر، ظاهراً از نظر خود مسئله را حل کرد. مسئله این است که در تجارب میدانی قابل اجرا در سراسر جهان، گزینه‌های پیشنهادی نفر اول به ندرت یک طرفه خواهد بود و در غیر این صورت، نفر دوم معمولاً آن را رد خواهد کرد.

اگر بتوان به گفته افراد درباره انگیزه‌هایشان در چنین وضعیتهایی اعتماد کرد چیزی شبیه بغض و کینه عملاً نقشی در رد این پیشنهادها خواهد داشت. امروزه، به نظر می‌رسد اقتصاددانان جوان نه فقط از وجود این احتمال شوکه نشوند که چنین انگیزه‌هایی گاهی نقش پررنگی در رفتار اجتماعی دارد بلکه، برعکس، اقتصاددانان با هوش‌تر می‌کوشند تا مدل‌های اقتصادی متعارف را برای دربرگرفتن این انگیزه‌ها بسط دهند.

البته وضع همیشه این‌گونه نبوده است. دو دهه پیش، بیشتر نظریه پردازان اقتصادی نمی‌توانستند بپذیرند که افراد رفتاری بسیار متفاوت از پیش‌بینی مدل‌های محدود رفتار عقلایی دارند.

آلبرت هیرشمن همواره استثنای برجسته‌ای در این روند بوده است. در حالی که مدل‌های محدود انتخاب عقلایی اصرار بر این دارند که افراد حاضر نمی‌شوند به طور داوطلبانه در ارائه کالاهای عمومی مشارکت کنند، او از ابتدا بر این نظر بود که میلیون‌ها انسان چنین رفتاری را که اغلب هزینه سنگینی برایشان در پی دارد، بروز می‌دهند. او در اثری با عنوان دگرذیبی مشغولیتها اساساً می‌کوشد تا علاوه بر تبیین رفتار افراد در تحمل چنین هزینه‌هایی، علت وجود الگوی چرخه مانند از چنین رفتاری را تشریح کند. در زمان گذراندن یک فرصت مطالعاتی در پاریس، انتشارات دانشگاه پرینستون از من خواست تا مقدمه‌ای بر چاپ این اثر برجسته در بیستمین سالگرد انتشار آن بنویسم. چون از دیدن چاپ اول این اثر بسیار لذت برده و آن را تحسین کرده بودم سریعاً این درخواست را پذیرفتم.

البته، چون نسخه‌ای از این چاپ در منزلم در نیویورک جا مانده بود از ویراستاران کتاب تقاضا کردم تا نسخه دیگری از آن را برایم بفرستند تا پیش از نوشتن این مقدمه آن را مجدداً مطالعه کنم.

تا زمان دریافت کتاب، نتوانستم در مقابل وسوسه تفسیر مجدد محفوظات خود از نظرات پروفیسور هیرشمن مقاومت کنم. آنچه باعث شد نتایج تلاش او چنین انگیزه‌ای در من ایجاد کند مهارت‌های او به عنوان تحلیلگر رفتار اجتماعی بود و این انگیزه را این یافته من در مطالعه مجدد کتاب تقویت کرد که تفسیر مجدد نظرات او کمتر شباهتی با استدلال اصلی هیرشمن دارد.

در مورد پدیده‌ای که او تلاش در تبیین آن داشت حافظه به یاری من شتافت. مشاهده اصلی او که با ارائه مثال‌هایی از تجربه برخی دموکراسی‌های مدرن در جهان غرب مستند شده این است که به نظر می‌رسد رفتار افراد در جوامع در قالب

سیکلهایی تقریباً بیست ساله بین زیاده‌طلبی فردی و روحیه جمع‌گرایی نوسان داشته است. برای مثال، می‌توان از سیکل مصرف‌گرایی فردی در سال‌های ریاست جمهوری آیزنهاور تا گرایش به فعالیت جمعی در دوره ریاست جمهوری جانسون - کندی یاد کرد. مطالعه مجدد اثر هیرشمن مؤید این خاطره بود که پدیده فوق، یک پدیده واقعی است و ارزش بررسی دارد. البته در تلاش برای بازتفسیر جزئیات نظریه هیرشمن، حافظه مرا چندان یاری نکرد. شاید درست‌تر این باشد که بگویم نظرات اولیه او مرا به تفکر به روشی جدید درباره انواع رفتارهایی وادار کرد که هیرشمن قصد تبیین آن را داشت.

هیرشمن نتایج بحث خود را نظریه سرخوردگی نام نهاد. در دوره‌های

رشد شدید مصرف، افراد امید زیادی به ارضاء خود با کالاهای مصرفی بادوام جدیدی بسته‌اند که اکنون استطاعت خرید آن را یافته‌اند اما در عمل این امید و انتظار به ندرت محقق می‌شود. در اینجا وی بحث تیور سیتوفسکی (Tibor Scitovsky) درباره تمایز راحتی (یا وضعیت اشباع غرایز) و لذت (یا احساس مثبت توأم با فرایند ارضای غریزه) را ذکر می‌کند. خوردن غذا گرسنگی را برطرف می‌کند. خواندن یک داستان خوب مایه رفع کسالت است. در چارچوب نظرات سیتوفسکی هر دو تجربه فوق، پایدار و منبع قابل اتکای لذت‌اند. زیرا تمایلات لاینقطع را ارضاء می‌کنند. در مقابل، در حالی که وسیله تهویه هوا نیز در آغاز استفاده از آن، خوشی ناگهانی ایجاد می‌کند اما این لذت تجربه زودگذر و فرآری است. در واقع، به محض آن که فرد به

داشتن این وسیله عادت می‌کند دیگر چیزی بیش از وسیله راحتی نیست. البته، این شاید کامیابی کوچکی نباشد اما اگر تجارب شما با لوازم مصرفی غیر با دوام، انتظار لذت پایدار در شما ایجاد کند، چنین وسایلی دیگر مایه سرخوردگی خواهد بود.

به نظر هیرشمن افرادی که از تجارب مصارف فردی سرخورده شده‌اند، مستعد جذب در جنبش‌های مدنی‌اند. البته او اذعان دارد که وقت لازم برای مشارکت در چنین جنبش‌هایی، یک هزینه واقعی است اما در ادامه می‌گوید که عمل جمعی ممکن است تجربه‌ای را ایجاد کند که افراد در زندگی خود به عنوان مصرف کننده به آن دست نیافته‌اند. این گونه اعمال جمعی در مجموع، بیشتر مانند یک غذای خوب پس از یک روزه طولانی است تا نشستن در اتاقی که برای مدت طولانی تهویه مناسب دارد.

یکی از مطالعات موردی هیرشمن، موج اعتراضات سال ۱۹۶۸ در ایالات متحده و اروپاست. منتقدان هیرشمن

می‌توانند در مورد میزان هزینه‌ای که فعالان در این اعتراضات متحمل شده‌اند چون و چرا کنند. در آن روزها من به عنوان فارغ‌التحصیل دانشگاه برکلی به خاطر می‌آورم که علاقه به حضور در کنسرت‌های راک که معترضان برپا می‌کردند مؤثرترین راه برای اظهار عمق مخالفت‌مان با جنگ ویتنام نبود. اما بی‌تردید بیشتر معترضان در واقع هزینه سنگینی برای حضور در این حرکتها پرداختند. همچنین، شک نیست که بسیاری از معترضان آن دوره اکنون با احساس رضایت خاطر واقعی به آن تجارب می‌نگرند.

اما چرا جنبش‌های اعتراضی، در نهایت، به جریانی غالب و پایدار تبدیل نمی‌شوند؟ هیرشمن پاسخ می‌دهد که تداوم حضور در فعالیت سیاسی مانند

## کل حکایت موردنظر هیرشمن را می‌توان در این ادعا خلاصه کرد که بیشتر رفتارهای مهم انسان را نمی‌توان بدون آگاهی از زمینه اجتماعی آن درک کرد

در پاسخ به این پرسش که  
چرا جنبش‌های اعتراضی نهایتاً به جریان پایداری  
تبدیل نمی‌شوند هیرشمن پاسخ می‌دهد که  
تداوم حضور در فعالیت سیاسی مانند  
رشد مصرف کالاهای بادوام در زمان رونق اقتصادی  
در نهایت به سرخوردگی منجر می‌شود

به نظر می‌رسد رفتار افراد در جوامع  
در قالب سیکلهایی تقریباً بیست ساله  
بین زیاده‌طلبی فردی و روحیه جمع‌گرایی  
نوسان داشته است

رشد مصرف کالاهای بادوام در زمان رونق اقتصادی در نهایت به سرخوردگی منجر می‌شود. از یک طرف، پایداری در فعالیت سیاسی وقت و انرژی بیش از حد انتظار از فعالان این عرصه می‌طلبد. از طرف دیگر، بسیاری از فعالان به نحو روزافزونی به این حقیقت حساس می‌شوند که در جامعه فقط آنها هزینه‌های این جنبش را بردوش می‌کشند. این سیکل هنگامی کامل می‌شود که در میان ناامیدی روزافزون، بازگشت به حوزه زندگی شخصی جذابیت فراگیری پیدا می‌کند و این پدیده زمانی قوت می‌یابد که بسیاری از فعالان این جنبشها سرخوردگی قبلی از حوزه زندگی شخصی را به فراموشی سپرده‌اند.

به خاطر می‌آورم که بحث هیرشمن معطوف به نفس سرخوردگی نبود بلکه به زمینه شکل‌گیری آن توجه داشت. همان‌طور که وی می‌گوید ارضاء اخلاقی یکی از پادشاههای مؤثر در ترغیب افراد به تحمل هزینه‌های مشارکت در جنبشهای مدنی است. با وجود این، شاخصهای اخلاقی لازم برای کسب اعتبار اخلاقی، ثابت نیست. به عبارت دیگر، هر قدر همکار ما پرهیزکارتر باشد دستیابی ما به وجهه اخلاقی دشوارتر خواهد شد. برای مثال، یک عمل نیکوکارانه فروشنده ماشینهای دست دوم، مقبولیت اخلاقی بیشتری از انجام همین عمل توسط یک روحانی عالی‌رتبه دارد. به عبارت دیگر، هر قدر افراد بیشتری به ندای عمل جمعی پاسخ می‌دهند کسب ارضاء اخلاقی برای فرد از طریق پایداری در آن عمل یا ورود به آن دشوارتر خواهد شد.

بنابراین مسئله دیگر این نیست که افراد از نتایج عینی حضور در جنبشهای مدنی سرخورده می‌شوند یا این مشارکت هزینه‌های بسیار سنگینی دارد بلکه مسئله این خواهد بود که فعالان در این جنبشها کسب وجهه اخلاقی از طریق مشارکت را پاداش مترتب بر آن، توجه افراد به گزینه‌های دیگر جلب خواهد شد. بر این اساس، نیروی محرک در سیکلهای حضور و عدم حضور افراد در جنبشهای مدنی را می‌توان نوعی سرخوردگی تلقی کرد که البته منبعی متفاوت از منبع موردنظر هیرشمن دارد.

با بررسی دقیق‌تر، تفسیر مجدد من از نظرات هیرشمن به نظر می‌رسد برخلاف تصور اولیه من، تفاوت چندانی با نظرات اولیه او نداشته باشد و در حقیقت، این دو، چند وجه اشتراک بنیادی دارند. در واقع، کل حکایت موردنظر هیرشمن را می‌توان در این ادعا خلاصه کرد که بیشتر رفتارهای

مهم انسان را نمی‌توان بدون آگاهی از زمینه اجتماعی آن درک کرد. او در نهایت این است که نمی‌توان ارضاء شخص از مصرف فردی یا مشارکت اجتماعی را بدون تبیین زمینه مقتضی هر عمل ارزیابی کرد. همان‌طور که او بارها توضیح داده، همان عملی که در یک فضای اجتماعی خاص ارضاء‌کننده جلوه می‌کند در فضای دیگر بسیار نفرت‌انگیز خواهد بود. البته پروفیسور هیرشمن نخستین دانشمند علوم اجتماعی نیست که محدودیتهای مدل انتخاب عقلایی را کنار گذاشته است. برای مثال، روانشناسان و جامعه‌شناسان همواره بر تأثیر نیروهای اجتماعی بر رفتار فردی تأکید دارند. اما وجه تمایز هیرشمن از بیشتر دانشمندان علوم اجتماعی در درک عمیق وی از مدل متعارف انتخاب عقلایی است. بی‌شک، وی با درک کامل منطق و توانایی این مدل درصدد تخریب آن نبوده بلکه قصد ترغیب ما به ملاحظه شکل غنی شده مدل انتخاب عقلایی را داشته است. زیرا مدل اخیر نقش محوری زمینه اجتماعی را لحاظ می‌کند.

به این ترتیب، اثر هیرشمن از این نظر مهم است که زمینه اجتماعی اهمیت دارد. در واقع، براساس شواهد محدود موجود به نظر می‌رسد زمینه اجتماعی اهمیت بسیار بیشتری در مقایسه با سایر نیروهای مورد تأکید در مدل‌های متعارف انتخاب عقلایی داشته باشد. هر چند پیش‌بینی تأثیر آراء و عقاید همواره دشوار است اما با اطمینان کافی می‌توان ادعا کرد که در دهه آینده، در تحلیل‌هایمان از رفتار اجتماعی و اقتصادی، عناصر زمینه اجتماعی و تعامل اجتماعی نقش بسیار برجسته‌تری خواهد داشت.

زمینه اجتماعی علاوه بر آنکه بر اعمالمان و فهم ما از رفتار مردم اثر می‌گذارد بر واکنش‌پذیری ما در قبال عقاید نو نیز مؤثر خواهد بود. کتاب دگرذیسی مشغولیتها هنگامی ظاهر شد که علم اقتصاد آمادگی کافی برای توجه جدی به پیام آن را نداشت. به اعتقاد من همین عامل، یکی از علل ناشناخته ماندن این کتاب در مقایسه با برخی دیگر از آثار پروفیسور هیرشمن است، مثلاً هوهای نسنانی و منافع یا خروج، اعتراض و وفاداری. ویراستی که به مناسبت بیستین سالگرد انتشار دگرذیسی مشغولیتها از این کتاب صورت می‌گیرد در مقطع زمانی به مراتب مساعدتری عرضه می‌شود.

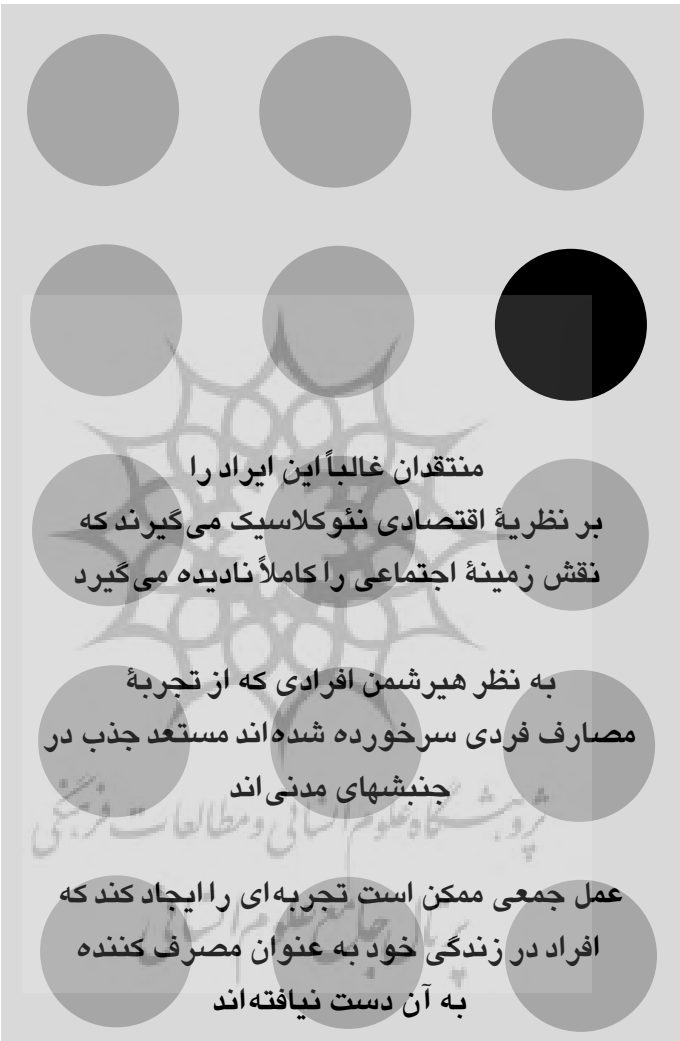
محققانی که در گذشته از وجود این اثر بسیار اندیشمندانه بی‌خبر بوده‌اند با ملاحظه آن به سرعت درخواهند یافت که برخی از مهم‌ترین مسائل مطرح در عرصه تفکرات امروز را مستقیماً هدف قرار داده است.

به نظر می‌رسد که در گذشته از وجود این اثر بسیار اندیشمندانه بی‌خبر بوده‌اند با ملاحظه آن به سرعت درخواهند یافت که برخی از مهم‌ترین مسائل مطرح در عرصه تفکرات امروز را مستقیماً هدف قرار داده است.

به نظر می‌رسد که در گذشته از وجود این اثر بسیار اندیشمندانه بی‌خبر بوده‌اند با ملاحظه آن به سرعت درخواهند یافت که برخی از مهم‌ترین مسائل مطرح در عرصه تفکرات امروز را مستقیماً هدف قرار داده است.

به نظر می‌رسد که در گذشته از وجود این اثر بسیار اندیشمندانه بی‌خبر بوده‌اند با ملاحظه آن به سرعت درخواهند یافت که برخی از مهم‌ترین مسائل مطرح در عرصه تفکرات امروز را مستقیماً هدف قرار داده است.

به نظر می‌رسد که در گذشته از وجود این اثر بسیار اندیشمندانه بی‌خبر بوده‌اند با ملاحظه آن به سرعت درخواهند یافت که برخی از مهم‌ترین مسائل مطرح در عرصه تفکرات امروز را مستقیماً هدف قرار داده است.



## منتقدان غالباً این ایراد را بر نظریه اقتصادی نئوکلاسیک می‌گیرند که نقش زمینه اجتماعی را کاملاً نادیده می‌گیرند

به نظر هیرشمن افرادی که از تجربه مصارف فردی سرخورده شده‌اند مستعد جذب در جنبشهای مدنی‌اند

عمل جمعی ممکن است تجربه‌ای را ایجاد کند که افراد در زندگی خود به عنوان مصرف‌کننده به آن دست نیافته‌اند